

راهکار اعطای تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌های تجاری در بانکداری اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۱۰ تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۲/۲۵

* سیدعباس موسویان
** محمد امیرعلی

چکیده

یکی از وظیفه‌های بانک‌های مرکزی به‌عنوان واپسین وام‌دهنده، حمایت مالی از بانک‌های تجاری (در وضعیت اضطراری و بحرانی) است. نظر به ربوی بودن شیوه استقرار بانک‌های تجاری از بانک مرکزی، محققان اقتصاد اسلامی راهکارهای گوناگونی برای پاسخ به این نیاز ارائه کرده‌اند اما راهکاری که بتواند از جنبه‌های فقهی، اقتصادی و کاربردی مطلوب باشد، هنوز ارائه نشده است.

پژوهش پیش‌رو با روشی تحلیلی توصیفی، راهکار مشارکت مدنی مشروط را برای پاسخ به این خلأ در بانکداری اسلامی معرفی می‌کند. بانک تجاری در هنگام فرار گرفتن در وضعیت بحران نقدینگی، در قالب قرارداد مشارکت مدنی، برخی دارایی‌های منضبط خود را با بانک مرکزی به مشارکت گذاشته با این شرط که اولاً، چنان‌که تا مدت معین نسبت به پرداخت ثمن دارایی‌های مورد مشارکت اقدام کند، بانک مرکزی آنها را به بانک تجاری برگرداند؛ ثانیاً، در دوره مشارکت، بانک مرکزی سهم مشاع خود از اموال را به‌صورت اجاره در اختیار بانک تجاری قرار دهد. نرخ اجاره‌بها که ابتدای هر سال مالی به‌وسیله شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود، در عین دسترسی بانک‌ها به منابع بانک مرکزی آن را در حد استفاده اضطراری نگه می‌دارد. این راهکار در مقایسه با راهکارهای پیشین از جهت شاخص‌های مشروعیت، جامعیت و کارایی برتری دارد.

واژگان کلیدی: بانک مرکزی، بانک تجاری، وضعیت بحرانی، تسهیلات، مشارکت مدنی مشروط.

طبقه‌بندی JEL: E51, E58, G24, Z11

مقدمه

از زمان تأسیس نخستین بانک مرکزی در قرن ۱۷ تا به امروز، پشتیبانی و حمایت مالی بانک‌های مرکزی از بانک‌های تجاری به‌عنوان یکی از وظیفه‌های بانک‌های مرکزی مطرح است. بانک‌های تجاری ممکن است در برخی شرایط در وضعیتی گرفتار شوند که چاره‌ای جز استفاده از تسهیلات بانک مرکزی نداشته و حمایت‌نشدن آنها از سوی این نهاد به ورشکستگی آنها بینجامد.

مهم‌ترین علت نیاز بانک‌های تجاری به بانک مرکزی، تغییر در حجم ذخایر وجه نقد ناشی از نوسان‌های سپرده است. این تغییر هنگامی پیش می‌آید که بانک‌ها وضعیت ذخایر روزانه خود را به‌طور صحیح پیش‌بینی نکرده و برای رفع این تفاوت مجبور به استقراض می‌شوند. بانک مرکزی با جمع‌آوری ذخایر بانک‌ها و دادن قرض به آنها از تهدیدهایی که باعث ورشکستگی بانک‌ها می‌شود، جلوگیری می‌کند (فرجی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۲). در حقیقت بانک مرکزی به‌عنوان واپسین پناهگاه برای حل مسائل نقدینگی بانک‌ها شمرده می‌شود (Hitchins & et all, 2001, p20). این حمایت مالی بانک مرکزی در بانکداری ربوی از راه قرض با بهره انجام می‌شود. در این نظام، بانک‌های تجاری به‌طور معمول با استفاده از خط اعتباری به استقراض از بانک مرکزی رو می‌آورند. این شیوه اعتباری در بانکداری بدون ربا با محدودیت ربا روبه‌رو است.

در نظام بانکداری ایران تا پیش از تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا برای استقراض بانک‌های تجاری از بانک مرکزی به شیوه بانکداری ربوی عمل می‌شد اما بعد از تصویب این قانون، استفاده از آن شیوه به‌علت محدودیت ربا ممنوع اعلام شد. در طول سالیان گذشته محققان اقتصاد اسلامی برای حل این مشکل راهکارهایی مانند خرید دین مجدد، مضاربه، فروش سهام بانک تجاری به بانک مرکزی، قرض‌الحسنه، قرض‌الحسنه مشروط، مشارکت مجدد را ارائه کرده‌اند که هر کدام از آنها مزیت‌ها و عیب‌هایی در مبانی فقهی و کاربردی داشته و هیچ‌کدام در عمل مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. امروزه در نظام بانکداری بدون ربا ایران بانک‌هایی که خواهان استفاده از منابع بانک مرکزی برای پوشش نیازهای نقدینگی خود در مواقع لزوم باشند با وجه التزام ۳۴ درصدی روبه‌رو

می‌شوند که این شیوه نیز با اشکال‌های جدی روبه‌رو است؛ از این‌رو خلأ راهکاری که از جهت فقهی و کارایی مناسب باشد، به‌طور کامل احساس می‌شود.

مقاله پیش‌رو درصدد است به روش تحلیلی توصیفی نشان دهد که راهکار «مشارکت مدنی مشروط» افزون بر اینکه می‌تواند به تأمین نیازهای نقدینگی بانک‌های تجاری با استفاده از منابع بانک مرکزی (در مواقع بحرانی) کمک کند، از بُعدهای مشروعیت، جامعیت و کارایی بر راهکارهای دیگر برتری دارد.

پیشینه تحقیق

درباره طراحی راهکار اعطای تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌های تجاری، تحقیقات کمی وجود دارد.

صدیقی (۱۳۶۱) در کتاب **بانکداری بدون بهره** به بررسی ابزارهای سیاست پولی در بانکداری بدون بهره می‌پردازد. این محقق به رابطه اعتباری بانک‌های تجاری با بانک مرکزی نیز اشاره می‌کند و راهکار *قرض‌الحسنه* را به این منظور معرفی می‌کند.

خان و میرآخور (۱۳۷۰) در بخشی از کتاب **مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی** به رابطه اعتباری بانک‌های تجاری با بانک مرکزی در بانکداری اسلامی می‌پردازند. این محققان راهکار فروش سهام بانک تجاری به بانک مرکزی را به این منظور معرفی می‌کنند.

ماجدی و گلریز (۱۳۷۳) در فصل ششم کتاب خود با عنوان **پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری** پس از معرفی ابزارهای سیاست پولی در بانکداری ربوی به ابزارهای جایگزین آن در بانکداری بدون ربا می‌پردازند. این محققان، راهکار خرید دین مجدد را ابزاری مشروع برای استفاده در بانکداری اسلامی معرفی می‌کنند.

فراهانی‌فرد (۱۳۷۸) در فصل اول کتاب **سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا** پس از نام‌بردن ابزارهای متداول سیاست پولی در بانکداری ربوی به معرفی ابزارهای جایگزین آن در بانکداری بدون ربا می‌پردازد. در این جهت این محقق به برخی ابزارهای جایگزین مانند تنزیل مجدد نیز اشاره می‌کند.

موسویان (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «مشارکت مجدد جایگزین تنزیل مجدد» در پی ارائه راهکاری برای جایگزینی روش تنزیل مجدد مورد استفاده در بانکداری ربوی است و راهکار مشارکت مجدد را به این منظور معرفی می‌کند.

میرمعزی (۱۳۸۴) در مقاله «الگوی ذخایر سپرده‌های بانکی در بانکداری اسلامی» پس از بررسی نظر اقتصاددانان اسلامی درباره ذخایر سپرده‌های بانکی در بانکداری اسلامی به معرفی الگوی مطلوب ذخایر می‌پردازد. وی در بخشی از مقاله به نقد و بررسی برخی راهکارهای پیشنهادی اعطای تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌های تجاری می‌پردازد.

چپر/ (۱۹۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «النظام النقدي و المصرفي في الاقتصاد الاسلامي» به تحلیل و بررسی نظام پولی و بانکی در اقتصاد اسلامی می‌پردازد. این محقق به روش مضاربه به‌عنوان راهکار اعطای تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌های تجاری اشاره می‌کند.

الغریب (۱۹۹۶) در بخشی از کتاب الرقابة المصرفية على المصارف الاسلامية، منهج فکری و دراسه میدانیه دولیه مقارنه به رابطه اعتباری بانک‌های تجاری با بانک مرکزی در بانکداری اسلامی پرداخته، راهکار «قرض بدون بهره» را معرفی می‌کند.

تحقیق پیش‌رو با رویکردی جامع‌تر از تحقیقات گذشته و با تمرکز خاص در این موضوع در پی ارائه راهکاری کاربردی‌تر و مناسب‌تر از راهکارهای پیشین است، راهکاری که در عین مشروعیت فقهی قابلیت بالایی برای تأمین کسری نقدینگی بانک‌های تجاری و برای اعمال سیاست پولی و اعتباری بانک مرکزی داشته باشد.

اهمیت حمایت بانک مرکزی از بانک‌های تجاری

نظام بانکی، عنصری ساختاری و با اهمیت و در عین حال، آسیب‌پذیر در اقتصاد است. بانک‌ها از یک طرف با سازمان‌دهی دریافت‌ها و پرداخت‌ها، امر مبادلات تجاری و بازرگانی را تسهیل کرده، باعث گسترش بازارها می‌شوند؛ از طرف دیگر با تجهیز پس‌اندازهای ریز و درشت و هدایت آنها به سمت بنگاه‌های تولیدی، زمینه‌های رشد و شکوفایی اقتصاد را فراهم می‌آورند (موسویان، ۱۳۸۱، ص ۳). بانک‌ها در راه رسیدن به این هدف‌ها با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند؛ ریسک نقدینگی از جمله بزرگ‌ترین چالش‌هاست (گروه مطالعات ریسک بانک اقتصاد نوین، ۱۳۸۷، ص ۱۷۱). بروز مشکل نقدینگی برای بانک افزون بر زیانی که برای مشتریان دارد، به سرعت می‌تواند به دیگر مؤسسه‌های اعتباری سرایت کند و باعث سقوط نظام مالی یک کشور شود؛ از این‌رو هیچ حکومتی به سادگی اجازه ورشکستگی بانک‌ها را نمی‌دهد. این اختلاف در برخورد با

بانک‌ها در مقایسه با دیگر مؤسسه‌ها و شرکت‌ها نشانگر این واقعیت است که اگر نظام بانکی را مورد اغماض قرار دهیم، می‌تواند تهدیدی جدی برای ثبات اقتصاد کلان شود (بانک و اقتصاد، ۱۳۷۷، ص ۶ به نقل از IMF Survey).

یکی از مهم‌ترین نهادهای اقتصادی، بانک مرکزی است که یکی از عوامل کلیدی تحقق آرمان‌های اقتصادی هر جامعه شمرده می‌شود و در جهت منافع و هدف‌های اقتصاد ملی وظیفه کنترل نظام پولی و بانکی کشور را در دست دارد. بانک مرکزی نهادی دولتی است که بخشی از سیاست‌های کلی اقتصادی کشور را به عهده دارد. بانک مرکزی، بانک بانک‌ها است، بخش عمده ذخایر کشور را نگهداری می‌کند و منبع نهایی و غایی اعتباری کشور شمرده می‌شود. به این بانک قدرت قانونی و اختیارات گسترده تفویض شده تا بتواند نظام بانکی را توسعه بخشیده، وام‌دهنده نهایی (Lender Of Last Resort- LOLR) بانک‌ها و بازارهای مالی شده و بانکدار دولت و در بیشتر کشورها، متصدی قرضه‌های مربوط به آن باشد. بانک مرکزی در مرکز نظام پولی و مالی قرار گرفته تا بتواند با اختیاراتی که دارد به‌صورت عامل فعال تنظیم‌کننده نهایی بازار پولی و مالی عمل کند. بانک مرکزی برای جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها و به تبع آن بحران اقتصادی کشور می‌تواند به‌عنوان وام‌دهنده نهایی به انجام این عمل پردازد (والی‌نژاد، ۱۳۸۰، ص ۳۲). به‌نظر هاوتری (۱۹۳۲) مهم‌ترین وظیفه عملی که بانک مرکزی انجام می‌دهد و صفت مشخصه این بانک است، اقدام بانک مرکزی در جایگاه وام‌دهنده نهایی است (زمانی‌فراهانی، ۱۳۷۱، ص ۱۹۲). بانک مرکزی همان خدماتی را انجام می‌دهد که بانک‌های بازرگانی برای مشتریان خود و به‌صورت بانک مادر سپرده‌ها و ذخایر بانک‌های تجاری را قبول می‌کند، چک‌های آنها را وصول و وجوه لازم را در اختیارشان قرار می‌دهد و در وضعیت بحرانی، وام‌های کوتاه‌مدت به آنها می‌پردازد. بانک مرکزی می‌تواند بر بانک‌ها نظارت و در موقع لزوم پشتیبانی کند، بی‌آنکه با آنها به رقابت پردازد (مهرآسا، ۱۳۴۹، ص ۷-۸).

بانک مرکزی در نقش وام‌دهنده نهایی در چشم‌انداز تاریخی

در قرون گذشته و پیش از پدیدآمدن بانک مرکزی، بانک‌های ناشر اسکناس در یک کشور متعدد بودند. هدف این بانک‌ها فقط تحصیل حداکثر سود برای سهام‌داران بانک بود. یکی

از عملیات بازرگانی که بانک‌های مورد اشاره انجام می‌دادند، تنزیل بروات تجاری تاجران یا تنزیل مجدد بروات موصوف مربوط به دیگر بانک‌ها بود. به این ترتیب به تدریج بانک‌های ناشر اسکناس از راه تنزیل مجدد بروات تجاری دیگر بانک‌ها در مواقع حساس پول در اختیار بانک‌های تجاری قرار می‌دادند و به مرور موقعیت وام‌دهنده نهایی را کسب کردند (زمانی فراهانی، ۱۳۷۱، ص ۱۹۲).

بعد از آن بانک انگلستان به عنوان نخستین بانک مرکزی دنیا در سال ۱۶۹۴ تأسیس شد؛ چون بانک انگلستان امنیت بالایی داشت و اسکناس آن هم به مقدار فراوانی در جریان بود، بانک‌ها متوجه شدند که باید حسابی نزد بانک انگلستان داشته باشند تا در مواقعی که با هجوم مشتریان برای دریافت سپرده یا تبدیل اسکناس بانک به طلا روبه‌رو می‌شوند، بتوانند از موجودی خود نزد بانک انگلستان استفاده کنند (همان، ص ۱۷۷-۱۷۸).

توسعه بعدی بانک انگلستان که موقعیت آن را به عنوان مرکز نظام پولی و بانکی مستحکم و استوار ساخت، اقدام بانک در جایگاه وام‌دهنده نهایی بود. بانک‌های تجاری که با مشکلات نقدینگی روبه‌رو می‌شدند و برای رفع این مشکلات از بانک انگلستان تقاضای نقدینگی می‌کردند، موافقت بانک انگلستان با این تقاضا این نهاد را در جایگاه اعتباردهنده نهایی مطرح می‌کرد (همان، ص ۱۹۲). در حقیقت این اقدام بانک انگلستان این بانک را تنظیم‌کننده نظام اعتباری کشور کرد (همان، ص ۱۷۸). بارینگ (۱۷۹۹) برای نخستین بار عبارت واپسین مرجع وام‌دهنده را به کار برد. این دیدگاه به وسیله تورنتان (۱۸۰۲) و باگه‌گ (۱۸۷۳) تقویت شد. در قانون سال ۱۹۱۴ بانک انگلستان، نقش این بانک در جایگاه واپسین مرجع وام‌دهنده در زمان بحران مالی به صورت رسمی مشخص شد. این به آن معناست که بانک انگلستان واپسین عرضه‌کننده پول به بانک‌هایی است که به وسیله بحران نقدینگی تهدید می‌شوند (همان، ص ۳۶۳).

افزون بر بانک انگلستان، بانک‌های مرکزی دیگر در کشورهای گوناگون در قرن ۱۷ به تدریج تأسیس شدند. این بانک‌ها به طور معمول به صورت خصوصی اداره می‌شدند. به تدریج قدرت انحصاری و ذخایر بزرگ طلا در بانک‌های مرکزی باعث شد تا آنها به بانک‌ها تبدیل شوند و بانک‌های تجاری حساب‌های پس‌انداز خود را نزد آنها نگه دارند و هر گاه با مشکل نقدینگی روبه‌رو می‌شدند با تنزیل اسناد تجاری خود از بانک

مرکزی وام می‌گرفتند (ندری و کیایی، ۱۳۸۷، ص ۴۵۳). از آن زمان تا کنون وظیفه وام‌دهنده نهایی به‌عنوان یکی از وظیفه‌های بانک‌های مرکزی در بانکداری دنیا مطرح است.

شیوه استقرار بانک‌های تجاری از بانک مرکزی در بانکداری ربوی

در ایالات متحده آمریکا بانک‌های عضو فدرال رزرو می‌توانند به‌طور مستقیم برای دریافت وام یا تنزیل بروات تجاری به بانک-فدرال ناحیه خود مراجعه کنند اما در بریتانیا بانک‌ها باید به خانه‌های تنزیل (Discount House) مراجعه کنند و این مؤسسه‌ها در صورت نیاز می‌توانند از بانک انگلستان وام دریافت کنند (زمانی‌فراهانی، ۱۳۷۱، ص ۲۴۴). به‌طور کلی بانک مرکزی به دو روش می‌تواند منابع مالی بانک‌ها را افزایش یا کاهش دهد:

الف) اعتبارات مستقیم

از راه این اعتبارات، بانک مرکزی میزان اعتبار قابل استفاده هر بانک را بنا بر ضوابطی مانند ذخایر نقدی آن بانک یا نوع اعتبارات آن بانک به بخش خصوصی تعیین می‌کند. تغییر میزان این اعتبار، اعتبارات بانک‌ها به بخش خصوصی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در صورتی که بانک مرکزی خواهان افزایش یا کاهش اعتبارات بانک‌ها به بخش خصوصی باشد، اعتبارات اعطایی خود به بانک‌ها را افزایش یا کاهش می‌دهد، این اعتبارات به‌طور معمول از راه یک خط اعتباری بین بانک مرکزی و بانک تجاری تعریف می‌شود.

ب) تنزیل مجدد اسناد و اوراق تجاری بانک‌ها

بانک مرکزی تنزیل‌کننده نهایی اسناد و اوراق تجاری بانک‌ها است. به این ترتیب که بانک‌های تجاری اوراق و اسناد تنزیلی بخش خصوصی را به نوبه خود در بانک مرکزی تنزیل می‌کنند. این عمل که تنزیل مجدد نامیده می‌شود، می‌تواند منابع مالی بانک‌ها را افزایش دهد اما بهره خالصی که عاید بانک‌های تجاری می‌شود عبارت است از مابه‌التفاوت بهره‌ای که بابت تنزیل اسناد تجاری از مردم می‌گیرند و بهره‌ای که بابت تنزیل مجدد به بانک مرکزی می‌پردازند (شجری و کمال‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵-۱۳۷). به‌طور کلی اعتبارات تنزیلی بانک مرکزی به بانک‌ها سه نوع است:

۱. اعتبارات اولیه (Primary Credit)؛

۲. اعتبارات ثانویه (Secondary Credit)؛

۳. اعتبارات فصلی (Seasonal Credit).

در جدول ذیل به طور خلاصه به ویژگی‌های این سه نوع اعتبار اشاره شده است.

جدول ۱: نوع و ویژگی‌های قرض‌های تنزیلی بانک‌های تجاری از بانک مرکزی در بانک مرکزی امریکا

شرح	اعتبارات اولیه	اعتبارات ثانویه	اعتبارات فصلی
محل استفاده	محدودیتی ندارد	وضعیت بحرانی و اضطراری	نیازهای منظم فصلی
نرخ تنزیل	بالاتر از نرخ بهره کوتاه‌مدت بازار	۰/۵ درصد بالاتر از نرخ بهره اعتبارات اولیه	متوسطی از نرخ‌های بهره بازار
دوره بازپرداخت	یک شب	به‌طور کلی کوتاه‌مدت (از یک شب تا بالاتر)	به‌طور معمول حداکثر ۹ ماه
نیاز به ثبت‌نام	به‌طور معمول بدون ثبت‌نام و ارائه اطلاعات (با یک تلفن پرداخت می‌شود)	نیاز به ثبت‌نام و ارائه اطلاعات به منظور اثبات بحرانی بودن شرایط و هدف استفاده	پرکردن فرم‌های ثبت‌نام و ارائه اطلاعات مورد نیاز

منبع: www.federalreserve.gov.

ویژگی‌های برنامه استقراض بانک‌های تجاری از بانک مرکزی

به‌طور کلی ویژگی‌های اصلی برنامه استقراض بانک‌های تجاری از بانک مرکزی را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد.

الف) کوتاه‌مدت بودن وام‌ها و استفاده در مواقع خاص

بانک مرکزی به‌طور عموم وام‌های کوتاه‌مدت به نظام بانکی ارائه می‌دهد و وام‌های بلندمدت را در موارد بحرانی با محدودیت‌های فراوان عرضه می‌دارد (داودی و صمصامی، ۱۳۸۸، ص ۲۷۷). مقصود از دادن امتیاز به بانک‌ها در پدیدساختن اعتبار برای آنها این است که احتیاجات موقت آنها برای به‌دست‌آوردن ذخیره مرتفع شود و هرگز غرض این نیست که این اعتبارات منبعی برای افزایش ذخیره آنها شود (شجری و کمال‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۰۷).

ب) فقدان ماهیت «حق» برای استفاده از منابع بانک مرکزی

بانک‌های تجاری استفاده از این ابزار را نباید حق خود بپندارند و به‌عنوان یک «حق» ضعف مدیریت خود در تنظیم اعتبارشان را با وام‌گیری از بانک مرکزی جبران کنند (صدقی، ۱۳۴۹، ص ۱۸۵). چنین اقدامی از طرف هر بانکی باعث خدشه‌دار شدن اعتبار آن بانک نزد بانک مرکزی می‌شود و به دنبال آن نظارت بانک مرکزی بر بانک پیش‌گفته بیشتر شده و به آن توصیه می‌شود که درصد دارایی به‌صورت اسناد بدهی خود را کاهش دهد. با استمرار قضیه امکان دارد بانک مرکزی تقاضای بعدی بانک تجاری برای وام را معلق کند (داودی و صمصامی، ۱۳۸۸، ص ۲۷۷). بانک مرکزی نیز درباره اقدام در جایگاه وام‌دهنده نهایی باید به‌صورتی عمل کند که برای بانک‌های تجاری این توهم پدید نیاید که بانک مرکزی تحت هر وضعیتی مؤظف به تأمین نیاز اعتباری بانک‌های تجاری است (زمانی‌فراهانی، ۱۳۷۱، ص ۱۹۳).

ج) اعمال محدودیت‌های خاص

بانک مرکزی در ازای اعطای وام به بانک‌ها اسناد بانکی را به‌عنوان وثیقه دریافت می‌کند. در بررسی تقاضای وام، بانک مرکزی در نخستین مرحله به آثار اقتصادی اعطای وام نظر دارد و در مرحله دوم میزان نقدینگی بانک تقاضاکننده را مورد توجه قرار می‌دهد و در سومین مرحله به هدف بانک از تقاضای خود برای وام توجه دارد. اگر بانکی به منظور خرید و فروش اوراق بهادار و بورس‌بازی یا برای تأمین مالی اعتبارات مصرفی از بانک مرکزی تقاضای وام کند، بانک مرکزی از قبول تقاضای وام امتناع کرده، محدودیت‌هایی را در اعتبار به این بانک پدید می‌آورد (داودی و صمصامی، ۱۳۸۸، ص ۲۷۸).

د) قابلیت اجرای سیاست پولی

اعطای وام و اعتبار به نظام بانکی مانند تنزیل مجدد اسناد بانک‌ها، باعث افزایش ذخایر نظام بانکی و سرانجام افزایش عرضه پول می‌شود. نیز زمانی که بانک مرکزی به بازپس‌گرفتن طلب خود از نظام بانکی اقدام کند، عرضه پول کاهش می‌یابد (همان، ص ۲۷۷). از این‌رو تغییر در میزان و شرایط تسهیلات اعطایی بانک مرکزی یکی از ابزارهای اجرای سیاست پولی شمرده می‌شود که با توجه به هدف‌های گوناگونی اعمال

می‌شود. این تغییرها می‌تواند در میزان منابع بانک‌ها اثر بگذارد و اعتبارات اعطایی بانک‌ها و شرایط آن را تحت تأثیر قرار دهد و از این راه تغییرهایی در حجم پول پدید آورد (ماجدی و گلریز، ۱۳۷۳، ص ۲۴۹).

ضرورت استفاده از تسهیلات بانک مرکزی در بانکداری اسلامی

همانند بانکداری ربوی در بانکداری اسلامی نیز بانک‌های تجاری به تسهیلات بانک مرکزی نیاز دارند. در ایران پیش از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، کم‌وبیش از ابزار تنزیل مجدد استفاده می‌شد اما طبق ماده ۲۱ فصل پنجم قانون عملیات بانکی بدون ربا «بانک مرکزی با هر یک از بانک‌ها و نیز بانک‌ها با یکدیگر، مجاز به انجام عملیات بانکی ربوی نیستند»؛ بر این اساس و با این فرض که تنزیل مجدد از مصداق‌های ربا است این ابزار به‌طور کلی لغو شد.

در نظام بانکی ایران، هم‌اکنون وجه التزام (جریمه) ۳۴ درصدی برای اضافه‌برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی در نظر گرفته می‌شود. بانک‌های تجاری باید در درجه اول بدون استفاده از منابع بانک مرکزی به تنظیم منابع و مصارف خود مبادرت کنند و اضافه‌برداشت فقط در حد رفع مشکلات مقطعی و کوتاه‌مدت بانک‌ها قابل اعمال خواهد بود که مهم‌ترین راه کنترل این امر، دریافت هزینه سنگین ۳۴ درصد سالانه از این مبالغ است.

در نقد شیوه پیش‌گفته می‌توان گفت: وجه التزام را باید ضمانت اجرا، درج جریمه یا شرط کیفری مالی که هر یک از متعاملان یا هر دوی آنها در صورت نقض قرارداد به عهده می‌گیرند، تعریف کرد (پنج‌تنی، ۱۳۹۰، ص ۱۸). در حقیقت وجه‌التزام در وضعیتی مطرح است که یکی از طرفین قرارداد مرتکب جرمی شود و قرارداد را نقض کند اما طبق دستورالعمل بانک مرکزی عنوان شده که بانک‌ها می‌توانند فقط برای رفع مشکلات مقطعی و کوتاه‌مدت نقدینگی خود مبادرت به اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی کنند؛ یعنی در قرارداد پیش‌بینی شده که اگر بانکی در وضعیت بحرانی قرار گرفت، حق استفاده از منابع بانک مرکزی را دارد، بنابراین اگر بانکی خواهان استفاده از منابع بانک مرکزی در وضعیت اضطراری و مقطعی باشد، قرارداد را نقض نکرده و جرمی مرتکب نشده که وجه التزامی به همراه داشته باشد. بر این اساس از طرفی پیش‌بینی استفاده بانک‌های تجاری از منابع بانک

مرکزی (در وضعیت بحرانی) در دستورالعمل بانک مرکزی و از طرف دیگر در نظر گرفتن وجه التزام برای همین مورد استفاده، ناهمگون به نظر می‌رسد. این مشکل در حقیقت به جهت فقدان راهکاری مناسب که توجیه بانکی و سازگار با اصول شریعت اسلام داشته باشد، پدید آمده است؛ بنابراین طراحی راهکاری با ویژگی‌های یادشده ضروری به نظر می‌رسد.

راهکارهای استفاده از تسهیلات بانک مرکزی در بانکداری اسلامی

در این بخش راهکارهای مطرح ارائه‌شده از سوی محققان اقتصاد اسلامی نقد و بررسی می‌شود تا با آگاهی از نقاط ضعف و قوت آنها بتوانیم راهکار کامل‌تری ارائه کنیم.

۱. راهکار خرید دین مجدد

از آنجا که اغلب فقیهان امامیه تنزیل اسناد تجاری را از نظر فقهی مجاز دانسته‌اند، به بانک‌ها اختیار داده می‌شود که تحت شرایط معینی به فروش این اسناد به بانک مرکزی اقدام کنند. به این منظور بانک‌ها می‌توانند هر نوع سند طلبی را که سرچشمه آن معامله‌های تجاری یا اسناد دین واقعی باشد، بخرند. این اسناد که به وسیله بانک‌ها از مشتریان خریداری شده قابل تنزیل مجدد نزد بانک مرکزی است. نیز اسناد ناشی از تسهیلات بانکی که نشانگر مطالبه‌های بانک‌ها از مشتریان آنهاست، از طرف بانک مرکزی قابل خریداری است. به این ترتیب بانک‌های تجاری می‌توانند برای استفاده از منابع بانک مرکزی از شیوه پیش‌گفته استفاده کرده و بانک مرکزی نیز می‌تواند با تغییر در نرخ تنزیل اسناد بانک‌ها و نیز نرخ تنزیل مجدد اسناد مشتریان در سطح تسهیلات اعطایی اثر بگذارد (مهدوی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۹/ ماجدی و گلریز، ۱۳۷۳، ص ۲۷۴).

نقد و بررسی

این راهکار اگرچه تنزیل مجدد را نوعی دین مجدد معرفی می‌کند اما باید گفت که در تنزیل مجدد این‌طور نیست که واقعاً بانک تجاری، اسناد را به‌عنوان ضمانت پشت‌نویسی کرده و به بانک مرکزی بفروشد بلکه شعبه مرکزی هر بانکی با گرفتن اطلاعات اسناد تنزیلی شعبه‌های خود به بانک مرکزی اطلاع می‌دهد که به ارزش فلان مبلغ اسناد تجاری

در اختیار دارد و بانک مرکزی به پشتوانه و اعتماد آن اسناد به بانک تجاری اعتباری اختصاص می‌دهد که در اصطلاح به آن تنزیل مجدد می‌گویند. بر این اساس بر فرض هم که عملیات تنزیل اشخاص نزد بانک‌های تجاری از باب فروش دین صحیح باشد، عملیات تنزیل مجدد بانک‌های تجاری نزد بانک‌های مرکزی صحیح نخواهد بود؛ چون اصلاً فروش دینی صورت نمی‌گیرد و ماهیت آن استقراض با بهره به پشتوانه اسناد تجاری تنزیلی است (موسویان، ۱۳۸۰، ص ۸۲).

راهکار تنزیل مجدد گرچه جامعیت مناسبی دارد و می‌تواند پاسخ‌گوی انواع نیازهای بانک‌های تجاری باشد و با تغییر نرخ تنزیل نیز می‌توان رفتار بانک‌های تجاری را برای استفاده از منابع بانک مرکزی تا حدی کنترل کرد اما از جهت مشروعیت فقهی ضعیف به نظر می‌رسد مگر اینکه راهکاری طراحی شود که در سرفصل تنزیل مجدد، خود اسناد دیون تنزیل شوند نه اینکه به پشتوانه آنها استقراض صورت گیرد.

۲. راهکار مضاربه

محمد عمر چپرا باور دارد که «وجوهی که بانک مرکزی در اختیار دولت قرار می‌دهد به صورت قرض الحسنه است، در حالی که تسهیلاتی که به بانک‌های تجاری و مؤسسه‌های مالی می‌پردازد از راه مضاربه است» (چپرا، ۱۴۰۴ق، ص ۲۹). طبق این راهکار بانک‌های تجاری در وضعیت بحرانی که نیاز به حمایت مالی بانک مرکزی دارند از بانک مرکزی تقاضای تسهیلات می‌کنند که این تقاضا به صورت قرار دادن منابع مالی بانک مرکزی در قالب سرمایه مضاربه پاسخ داده می‌شود و طرفین (بانک تجاری و بانک مرکزی) پس از اتمام قرارداد به تقسیم سودوزیان مربوطه می‌پردازند.

نقد و بررسی

هر چند این روش از جهت مشروعیت فقهی فاقد اشکال است اما از جهت جامعیت با اشکال جدی روبه‌رو است؛ اولاً، براساس مشهور فقیهان امامیه، مضاربه عقدی است که فقط در حوزه تجاری کاربرد دارد و در عرصه‌های صنعت، کشاورزی و خدمات قابل استفاده نیست. بر این اساس اگر بانکی با نیاز مالی فوری روبه‌رو شود و خواهان استفاده از اعتبارات بانک مرکزی باشد، فقط می‌تواند درباره نیازهای تجاری خود اقدام کند و در

دیگر زمینه‌ها با خلأ روبه‌رو خواهد شد؛ ثانیاً، بانک مرکزی باید به‌گونه‌ای رفتار کند که برای بانک‌های تجاری این توهم پدید نیاید که بانک مرکزی تحت هر وضعیتی مؤظف به تأمین نیاز اعتباری بانک‌های تجاری است. به عبارت دیگر بانک مرکزی (در جایگاه کنترل‌کننده نظام پولی و بانکی کشور) در رابطه اعتباری خود با بانک‌های تجاری باید قدرتی داشته باشد که بتواند رفتار بانک‌های تجاری را از جهت اعتباری کنترل کند. با این توضیح اگر بانک تجاری براساس رابطه مضاربه خواهان استفاده از منابع بانک مرکزی باشد، چون سود این قرارداد در بازار تعیین می‌شود و احتمال به‌دست آمدن هر میزان سودی (کم، زیاد یا حتی منفی) وجود دارد و پس از پایان قرارداد است که سود قطعی مشخص می‌شود؛ بنابراین در این راهکار عملاً بازار است که این دو نهاد را کنترل می‌کند و با تکیه بر بازار نیز احتمال هر نوع اتفاقی وجود دارد و بانک مرکزی عملاً هیچ‌گونه کنترلی نسبت به رفتار بانک تجاری ندارد. این امر می‌تواند کارکرد بانک مرکزی را به‌عنوان نهادی با وظیفه اصلی «کنترل نظام پولی و بانکی کشور» با اختلال روبه‌رو سازد.

۳. راهکار فروش سهام بانک تجاری به بانک مرکزی

محسن‌خان و میرآخور باور دارند:

بانک‌ها فقط می‌توانند بر مبانی مشارکت سهامی از بانک مرکزی تسهیلات بگیرند؛ یعنی بانک مرکزی برای افزایش اندوخته‌های خود در نظام (یا بر عکس) سهام بانکی را می‌کند. بر این اساس فروش سهام به بانک مرکزی یک منبع مالی اضافی برای بانک‌های تجاری پدید می‌آورد (خان و میرآخور، ۱۳۷۰، ص ۲۶۸).

طبق این راهکار اگر نرخ بازده سهام را با (re) نشان دهیم مانند سپرده‌های سرمایه‌گذاری این نرخ بستگی به وضعیت کلی سوددهی بانک‌ها دارد و برخلاف نرخ رسمی تنزیل به‌طور مستقیم به‌وسیله بانک مرکزی تعیین نخواهد شد. بانک مرکزی سهام بانک‌های تجاری (EC) را در اختیار دارد و نرخ بازده (re) آنها در بازار تعیین می‌شود. حجم اندوخته‌ها از راه تغییرهایی که بانک مرکزی در موجودی سهام بانک‌ها نزد خود می‌دهد، تغییر می‌کند و این به‌نوبه خود هزینه استقراض را برای بانک‌ها تغییر می‌دهد (همان، ص ۲۶۸-۲۷۰).

نقد و بررسی

این راهکار به جهت اینکه بر مبنای مشارکت حقوقی بنا شده از جهت مشروعیت فقهی امتیاز بالایی دارد. از سویی به جهت اینکه عقد مشارکت قابلیت ورود به عرصه‌های گوناگون اقتصادی (تجاری، خدماتی، کشاورزی و صنعتی) را دارد، انواع نیازهای بانک تجاری را پوشش می‌دهد اما همان اشکالی که برای راهکار مضاربه عنوان شد در اینجا نیز مطرح است چرا که طبق این راهکار نرخ بازده سهام در بازار تعیین می‌شود که ممکن است صفر یا حتی منفی شود و عملاً کنترل رفتار بانک تجاری و به تبع آن نظام پولی و بانکی کشور از دست بانک مرکزی خارج می‌شود.

۴. راهکار قرض بدون بهره

مطابق این راهکار بانک مرکزی می‌تواند بخشی از سپرده‌های سرمایه‌گذاری بانک‌ها را به صورت ذخیره قانونی نگه داشته، در مواقع کمبود نقدینگی به صورت قرض بدون بهره در اختیار بانک‌ها قرار دهد (غریب، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۸). *نجاه‌الله صدیقی* در این باره می‌گوید:

بانک‌ها تقاضای کوتاه‌مدت برای وجوه نقد خود را که به صورت فصلی و برای پاسخ‌گویی به صاحبان سپرده‌ها بوده که برای دریافت سپرده خود مراجعه کرده‌اند، به صورت وام بدون بهره از بانک مرکزی دریافت می‌کنند البته بانک مرکزی باید اطمینان لازم را به دست آورد که مقدار وامی که از بانک‌های عمومی، تحت مقررات استقراض دریافت می‌کند، فقط برای برآوردن تقاضای نقدی مردم است نه وسیله‌ای برای تهیه سرمایه‌های جدید برای مؤسسه‌ها که این مطلب به راحتی از راه نظارت بر حساب‌های بانکی امکان‌پذیر است (صدیقی، ۱۳۶۱، ص ۱۲۴).

نقد و بررسی

این پیشنهاد از جهت شرعی فاقد اشکال است اما باید توجه داشت نگهداری بخشی از سپرده‌های سرمایه‌گذاری در بانک مرکزی به همان نسبت سبب کاهش کل سرمایه‌گذاری بانک و در نتیجه کاهش سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری می‌شود و در حقیقت هزینه احتمال کمبود نقدینگی بانک از جیب صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری می‌رود (میرمعزی، ۱۳۸۴، ص ۶۹). بر این اساس با کاهش سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری، سپرده‌گذاران برای دریافت سپرده‌های خود به بانک‌ها هجوم آورده و بانک با مشکل مضاعف نقدینگی روبه‌رو می‌شود.

از سویی اگر این پیش فرض را هم نادیده بگیریم و حالتی را تصور کنیم که بانک مرکزی به بانک‌های تجاری بدون بالا بردن میزان ذخیره قانونی، قرض بدون بهره اعطا کند، این امر هزینه فراوانی را بر بانک مرکزی تحمیل می‌کند که بر این اساس بانک مرکزی قدرت کافی برای حمایت از بانک‌های تجاری را نخواهد داشت؛ بنابراین این راهکار از جهت پوشش اقتصادی قلمرو محدودی پیدا می‌کند. از طرفی بانک‌های تجاری با ملاحظه بدون بهره بودن تسهیلات بانک مرکزی به بهانه‌های گوناگون، تقاضای خود را برای دریافت تسهیلات اعلام خواهند کرد که در این حالت بانک مرکزی با تقاضای فراوان بانک‌های تجاری روبه‌رو خواهد شد که کنترل بانک‌های تجاری در این حالت مشکل خواهد شد.

۵. راهکار قرض بدون بهره مشروط

در این راهکار بانک مرکزی می‌تواند هنگامی که بانک تجاری با مشکل کمبود نقدینگی روبه‌رو است به آن قرض‌الحسنه بدهد، به این شرط که پس از اتمام مشکل نقدینگی، آن بانک (افزون بر ادای قرض خود) همان مبلغ را به بانک مرکزی قرض‌الحسنه بدهد (غریب، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۹).

نقد و بررسی

اشکال‌هایی که برای راهکار قرض‌الحسنه عنوان شد، بر این راهکار نیز وارد است. از سویی هر چند برای کنترل استفاده بانک‌های تجاری از منابع بانک مرکزی، این شرط در نظر گرفته شده که بانک‌های تجاری نیز باید همان مبلغ را به بانک مرکزی قرض دهند اما این راهکار از جهت شرعی با شبهه ربا روبه‌رو است زیرا در قرض‌الحسنه اشتراط هر نوع شرطی که نفعی را در پی دارد، زیاده و ربا شمرده می‌شود.

۶. راهکار مشارکت مجدد

طبق این راهکار بانک‌های تجاری می‌توانند ذخایر قانونی خود را به‌عنوان سپرده در قالب مشارکت مدنی در بانک مرکزی سرمایه‌گذاری کنند و بانک مرکزی متناسب با عملکرد اقتصادی و درآمد کسب‌شده به این سپرده‌ها سود پرداخت کند. از سوی دیگر بانک مرکزی

منابع حاصل از این ذخایر را در قالب مشارکت مدنی و حقوقی (سهام) در اختیار بانک‌های تجاری قرار داده و در سود آنها شریک شود که به این عملیات «مشارکت مجدد» می‌گوییم. لازمه عملی کردن راهکار مشارکت مجدد، افتتاح حساب سپرده سرمایه‌گذاری متقابل از طرف بانک مرکزی نزد بانک‌های تجاری است. این سپرده از جهت ماهیت حقوقی مانند سپرده‌های اشخاصی حقیقی نزد بانک‌ها خواهد بود اما دو تفاوت اساسی نسبت به سپرده‌های دیگر دارد:

الف) تقاضای افتتاح حساب و افزایش یا کاهش موجودی حساب از طرف بانک‌های تجاری خواهد بود.

ب) نسبت تقسیم سود بین بانک مرکزی و بانک تجاری را شورای پول و اعتبار متناسب با وضعیت اقتصادی کشور تعیین می‌کند؛ به‌طور مثال، در وضعیت رکود که سیاست بانک مرکزی گسترش حجم پول در جامعه است، پایین‌آوردن نسبت تقسیم سود، استفاده از سپرده بانک مرکزی را برای بانک‌های تجاری ارزان‌تر می‌کند و در وضعیت تورمی که بانک مرکزی درصدد کاهش سطح اعتبارات بانک‌هاست، شورای پول و اعتبار نسبت تقسیم سود را به نفع بانک مرکزی افزایش می‌دهد (موسویان، ۱۳۸۰، ص ۸۶-۸۷).

بر این اساس بانک‌های تجاری در وضعیتی که نیاز به نقدینگی دارند، می‌توانند با تقاضای افزایش سپرده بانک مرکزی و استفاده از منابع این نهاد در قالب مشارکت مدنی، نیاز مالی خود را برطرف کنند.

نقد و بررسی

از آنجا که این راهکار بر پایه مشارکت مدنی بنا شده از جهت مشروعیت امتیاز بالایی دارد. از سویی با توجه به اینکه قرارداد مشارکت مدنی قابلیت ورود به تمام عرصه‌های اقتصادی را دارد، از جامعیت لازم نیز برخوردار است؛ اما طبق این راهکار بانک مرکزی با ابزار تعیین نسبت تقسیم سودوزیان (بین بانک تجاری و بانک مرکزی) به کنترل رفتار بانک‌های تجاری در برابر استفاده از منابع بانک مرکزی می‌پردازد اما این تغییر نسبت خیلی کارساز نیست چون ممکن است سود کل خیلی پایین یا صفر باشد و برای بانک تجاری نسبت‌های تقسیم سود مهم نباشد یا برعکس سود نهایی چنان بالا باشد که استفاده از این ابزار با هر

نسبت تقسیم سودی توجیه اقتصادی داشته باشد؛ در نتیجه قدرت اعمال سیاست پولی بانک مرکزی تضعیف می‌شود.

۷. راهکار مشارکت مدنی مشروط

بررسی راهکارهای پیشنهادی نشان داد که ضعف اغلب راهکارهای مطرح در این باره کاهش قدرت کنترل بانک مرکزی بر رفتار بانک‌های تجاری برای استفاده از منابع بانک مرکزی است. بر این اساس اعطای تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌های تجاری در قالب مشارکت مدنی مشروط که در این بخش ارائه می‌شود، مزیت‌هایی نسبت به راهکارهای دیگر دارد. این راهکار با قراردادی میان‌مدت (یک سال) آغاز می‌شود و در این قرارداد ذکر می‌شود که چنان‌که بانک تجاری در طول قرارداد در وضعیت خاص قرار گیرد و این وضعیت به تأیید بانک مرکزی برسد، حداکثر به مبلغ تصویب‌شده و تعداد بار تصویب‌شده، می‌تواند قراردادی کوتاه‌مدت (روزانه) برای استفاده از تسهیلات بانک مرکزی (در قالب مشارکت مدنی مشروط) با بانک مرکزی منعقد کند.

هنگام قرار گرفتن بانک تجاری در وضعیت بحرانی و تقاضای تسهیلات از بانک مرکزی و موافقت بانک مرکزی برای استفاده از تسهیلات، بانک تجاری در قالب عقد مشارکت مدنی یکی از دارایی‌های منضبط خود را با بانک مرکزی به مشارکت گذاشته با این شرط که اولاً، چنان‌که تا مدت معین ذکر شده در قرارداد، بانک تجاری نسبت به پرداخت ثمن اموال مورد مشارکت (اموال مشاعی) اقدام کند، بانک مرکزی اموال مشاعی را به بانک تجاری برگرداند؛ ثانیاً، در دوره‌ای که بانک تجاری اموال خود را با بانک مرکزی مشارکت کرده است، بانک مرکزی سهم خود از اموال ذکر شده را در قالب عقد اجاره در اختیار بانک تجاری قرار داده، اجاره دریافت کند.

ویژگی راهکار پیشنهادی این است که نرخ اجاره طوری تعیین می‌شود که رفتار بانک‌های تجاری درباره استفاده از منابع بانک مرکزی را کنترل کند. به این صورت که ابتدای هر سال مالی شورای پول و اعتبار سه نرخ اجاره را به صورت حداقل، پایه و حداکثر اعلام می‌کند که نرخ اجاره پایه در بازه نرخ اجاره حداقل و حداکثر اعلام‌شده قرار دارد. حال پیش از شروع قرارداد کوتاه‌مدت، بانک‌هایی که به مبلغ کمتر، به تعداد دفعات کمتر و

برای مدت‌زمان کمتری از منابع بانک مرکزی (در قالب قرارداد مشارکت مدنی مشروط) تقاضای تسهیلات کنند، می‌توانند نرخ اجاره پایه را به نرخ حداقل نزدیک‌تر کرده، از سویی بانک‌هایی که عکس حالت پیش‌گفته رفتار کنند از نرخ اجاره پایه فاصله گرفته و به نرخ حداکثر نزدیک‌تر می‌شوند.

روش‌شناسی راهکار مربوطه

مرحل اول: تعیین میزان حد اعتباری تخصیص یافته

ابتدای سال مالی بانک مرکزی اعلام می‌کند که بانک‌های تجاری می‌توانند به ارزش حداکثر ۱ درصد دارایی خود (به‌طور مثال) تقاضای خود را برای استفاده از تسهیلات بانک مرکزی (برای استفاده احتمالی در وضعیت بحرانی) به بانک مرکزی ارائه کنند. بعد از تقاضای بانک تجاری در قالب شرایط پیش‌گفته، بانک مرکزی تقاضای بانک تجاری را بررسی می‌کند و میزان حداکثر حد اعتباری تخصیص یافته برای قرارداد میان‌مدت (یک سال) مشخص می‌شود سپس بانک تجاری نسبت به معرفی اموال مشاعی به اندازه ۲۰۰ درصد حد تصویب شده اقدام می‌کند تا پوشش لازم از جهت وثیقه‌های مورد نظر را داشته باشد. نکته مهم این است که بانک تجاری باید یک یا مجموعه‌ای از دارایی‌های با ارزش و منضبط خود را برای مشارکت با بانک مرکزی معرفی کند.

مرحله دوم: ارزیابی و ترهین اموال مشاعی

بانک مرکزی ارزیابی اموال معرفی شده به‌وسیله بانک تجاری تجاری را انجام داده و متناسب با مبلغ اعتبار تخصیصی به بانک تجاری نسبت به ترهین اموال مربوطه در دفاتر اسناد رسمی اقدام می‌کند. اموال مورد رهن در بانک مرکزی به‌عنوان «اموال مشاعی» شناسایی می‌شود. میزان ترهین اموال معرفی شده باید دست‌کم ۲۰۰ درصد حد اعتباری تخصیص داده شده به بانک تجاری باشد تا پوشش لازم از جهت وثیقه‌ها و تضامین مورد نظر را داشته باشد.

مرحله سوم: تقاضای بانک تجاری برای استفاده از تسهیلات بانک مرکزی

زمانی که بانک تجاری در شرایط خاص قرار گرفت و چاره‌ای جز استفاده از تسهیلات بانک مرکزی نداشت، تقاضای خود که حاوی اطلاعات لازم برای اثبات بحران نقدینگی،

میزان درخواستی تسهیلات از بانک مرکزی و مدت زمان قرارداد کوتاه‌مدت است را به بانک مرکزی ارائه می‌کند. بعد از آن بانک مرکزی تقاضای بانک تجاری را بررسی کرده و با تقاضای وی موافقت یا مخالفت می‌کند یا اینکه با تعدیل موارد موجود در تقاضا، درخواست مورد موافقت قرار می‌گیرد.

مرحله چهارم: تعیین نرخ اجاره‌بها

بانک مرکزی به مقتضای شرط دوم سهم خود از اموال مشاعی را به بانک تجاری اجاره می‌دهد و در دوره مورد نظر هر اندازه سهم‌الشرکه اموال مشاعی را داشته باشد، نسبت به سهم مالکیتی خود اجاره‌بها دریافت می‌کند. به عبارت دیگر بانک مرکزی با شریک خود درباره کیفیت استفاده و میزان بازدهی اموال مشاعی (اموال مورد مشارکت) چنین به توافق می‌رسد که سهم خود از اموال مشاعی را در برابر مبلغی معین به بانک تجاری اجاره دهد. بر این اساس طبق راهکار پیشنهادی بعد از آنکه تقاضای بانک تجاری برای استفاده از تسهیلات بانک مرکزی مورد تأیید قرار گرفت، باید نرخ اجاره‌بها برای قرارداد کوتاه‌مدت مشخص شود. نکته مهمی که باید به آن توجه داشت این است که راهکاری که طراحی می‌شود باید ویژگی‌ای داشته باشد که رفتار بانک‌های تجاری برای استفاده از منابع بانک مرکزی کنترل شود. در بخش بعدی مقاله با توجه به این ویژگی، طرح پیشنهادی خود را برای تعیین نرخ اجاره‌بها ارائه خواهیم کرد.

مرحله پنجم: مالکیت اموال مشاعی

زمانی که بانک مرکزی نسبت به پوشش احتیاجات بانک تجاری در این وضعیت اقدام کرد به میزان مبلغ اعتبار پرداختی، شریک سهم درصد مورد نظر از «اموال مشاعی» می‌شود. با توجه به اینکه اموال مشاعی معرفی شده باید دست‌کم ۲۰۰ درصد سقف تعیین شده باشد، سهم مشارکت بانک مرکزی در اموال مشاعی از صفر تا ۵۰ درصد است که بستگی به میزان پرداختی بانک مرکزی دارد. با توجه به اینکه بانک مرکزی با عقد مشارکت مدنی مشروط، در «اموال مشاعی» معرفی شده شریک بانک تجاری می‌شود به مقتضای شرط ضمن عقد متعهد است:

الف) هر زمانی که بانک تجاری در دوره قرارداد (قرارداد کوتاه‌مدت) قیمت بخشی یا کل

سهام اموال مشاعی را پرداخت کند، بانک تجاری به آن اندازه سهم خود از سهام شرکت سهامی را افزایش داده یا صاحب کل سهام اموال مشاعی شود. (ب) بانک مرکزی در دوره‌ای که مالکیت سهام شرکت «اموال مشاعی» را داشته باشد آن را به بانک تجاری اجاره داده و متناسب با دوره مورد نظر از مشتری اجاره‌بها دریافت می‌کند.

مرحله ششم: تعیین اجاره‌بها برای اموال مشاعی

میزان اجاره‌بها بابت اجاره سهام شرکت سهامی طبق رابطه ذیل به صورت روزشمار محاسبه می‌شود:

$$\text{میزان اجاره‌بهای پرداختی بانک تجاری به بانک مرکزی} = v \times e \times \frac{n}{360}$$

در رابطه پیش گفته v بیانگر ارزش سهام شرکت بانک مرکزی است. e بیانگر نرخ اجاره تعیین شده برای بانک تجاری است. n نشان‌دهنده تعداد روزهایی است که به میزان ارزش سهام شرکت قرار گرفته در رابطه پیش گفته بانک تجاری باید به بانک مرکزی اجاره پرداخت کند. چنان‌که بانک تجاری تا موعد مقرر اجاره‌بها را پرداخت نکند، افزون بر اجاره‌بها باید وجه التزام دیرکرد را نیز پرداخت کند.

مرحله هفتم: تمدید یا خاتمه قرارداد

چنان‌که تا پایان قرارداد کوتاه‌مدت، بانک تجاری نسبت به خرید سهام شرکت بانک مرکزی از اموال مشاعی اقدام کند، بانک مرکزی سهام شرکت خود از اموال مورد مشارکت را به قیمت ارزیابی انجام شده در ابتدای قرارداد به بانک تجاری می‌فروشد اما پس از قرارداد کوتاه‌مدت آن نسبت از سهام شرکت که به وسیله بانک تجاری خریداری نشده، در ملکیت بانک مرکزی است و بانک مرکزی می‌تواند نسبت به اموال خود تصمیم‌گیری کند. بر این اساس بانک مرکزی در ابتدای سال نسبت به اموال مشاعی معرفی شده به وسیله بانک تجاری دقت لازم را به عمل می‌آورد و اموالی را می‌پذیرد که خطر در رکود قرار گرفتن قیمت آن ناچیز باشد. نکته قابل ذکر دیگر اینکه چنان‌که رفتار بانک تجاری در قرارداد کوتاه‌مدت (بار اول) در برابر تعهدهای خود نامناسب باشد، در تصمیم‌گیری بانک مرکزی مبنی بر اعطای تسهیلات مجدد اثرگذار خواهد بود اما در پایان مدت قرارداد میان‌مدت (یک‌ساله) بانک مرکزی با بررسی وضعیت رفتاری بانک تجاری درباره تمدید یا خاتمه

قرارداد برای یک سال دیگر تصمیم‌گیری می‌کند. برای تمدید قرارداد چنان‌که بانک مرکزی و بانک تجاری تشخیص دهند که در قیمت ارزیابی انجام‌شده در سال پیش توافق داشته باشند، نیاز به ارزیابی مجدد نبوده و در غیر این صورت ارزیابی مجدد اموال معرفی شده انجام گرفته و اموال مشاعی و میزان ترهین تعدیل می‌شود.

طرح پیشنهادی برای تعیین نرخ اجاره‌بها

در ابتدای سال مالی شورای پول و اعتبار سه نرخ اجاره حداقل، پایه و حداکثر را اعلام می‌کند که نرخ اجاره پایه در بازه نرخ اجاره حداقل و حداکثر قرار دارد. حال پیش از شروع قرارداد کوتاه‌مدت، بانک‌هایی که به مبلغ کمتر، تعداد دفعات کمتر و برای مدت‌زمان کمتری از منابع بانک مرکزی استفاده می‌کنند، نرخ اجاره پایه را به نرخ حداقل نزدیک‌تر کرده و در حالت عکس آن به نرخ حداکثر نزدیک‌تر می‌شوند. برای عملی کردن این طرح می‌توان طبق رابطه ذیل از ضرایبی استفاده کرد:

$$e = b \times a \times t \times n$$

در جدول ذیل شرح ضرایب مربوطه بیان شده است:

جدول ۲: شرح ضرایب مربوط به تعیین نرخ اجاره‌بهای پرداختی بانک تجاری به بانک مرکزی

ضریب	شرح
e	نرخ اجاره پرداختی بانک تجاری به بانک مرکزی: $e = b \times a \times t \times n$
b	نرخ اجاره پایه: تعیین شده به‌وسیله شورای پول و اعتبار
a	میزان برداشت بانک تجاری (به‌صورت درصدی از دارایی بانک تجاری) از منابع بانک مرکزی: برای میزان استاندارد عدد (۱) و برای کمتر و بیشتر از آن به‌صورت تصاعد هندسی به ترتیب کمتر و بیشتر از عدد (۱)
t	مدت زمان قرارداد کوتاه‌مدت: بستگی به میزان برداشتی دارد، برای هر میزان برداشت دو مدت زمان استاندارد و حداکثر در نظر گرفته می‌شود. برای مدت زمان استاندارد ضریب مربوطه عدد (۱) و برای مدت زمان حداکثر نیز عدد بزرگتر از (۱) در نظر گرفته می‌شود.
n	تعداد دفعات برداشت (در طی یک سال): به‌طور مثال اگر حداکثر دفعات برداشت (۲) بار تعیین شود، برای برداشت بار اول ضریب مربوطه عدد (۱) و بار دوم عددی بزرگتر از (۱) وارد خواهد شد.

نکته مهم که باید به آن توجه داشت این است که اگر ضرایب طوری وارد شوند که نرخ اجاره از نرخ حداکثر بیشتر شود، نرخ حداکثر ملاک خواهد بود و اگر نرخ اجاره از

نرخ حداقل کمتر شود، نرخ حداقل ملاک خواهد بود. برای تبیین بهتر طرح پیشنهادی، مثالی در دو حالت ارائه می‌شود.

فرض کنیم بانک تجاری الف در ابتدای سال مالی پیرو اعلام بانک مرکزی مبنی بر ارائه تقاضا برای استفاده از تسهیلات بانک مرکزی، تقاضای خود را ارائه کرده است و به‌طور کلی اطلاعات ذیل موجود است:

حد اعتباری تخصیص‌یافته برای بانک تجاری الف: حداکثر ۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال (این میزان برابر ۱ درصد دارایی بانک تجاری الف بوده و مشروط به استفاده در وضعیت اضطراری است)؛ اموال معرفی‌شده: غیرمنقول؛ مدت قرارداد میان‌مدت: یک سال؛ نرخ اجاره حداقل: ۳۲ درصد؛ نرخ اجاره حداکثر: ۴۸ درصد؛ نرخ اجاره پایه: ۳۶ درصد و حداکثر تعداد دفعات قابل استفاده در طول قرارداد میان‌مدت (یک سال): ۲ بار. جدول ذیل نشانگر ضرایب مربوط برای تعیین نرخ اجاره است که توضیح آن می‌آید:

جدول ۳: ضرایب مربوط به تعیین نرخ اجاره‌بهای پرداختی بانک تجاری به بانک مرکزی

میزان برداشت	ضریب میزان برداشت	مدت زمان قرارداد (کوتاه‌مدت (روز)	ضریب مدت زمان قرارداد	حداکثر مدت زمان قرارداد	ضریب حداکثر مدت زمان قرارداد	ضریب تعداد دفعات برداشت
٪۱	۱.۱۵۰۰	۶۰	۱	۹۰	۱.۰۸	برای بار اول عدد ۱
٪۰.۹	۱.۱۱۰۵	۵۴	۱	۸۱	۱.۰۸	
٪۰.۸	۱.۰۷۲۳	۴۸	۱	۷۲	۱.۰۸	
٪۰.۷	۱.۰۳۵۵	۴۲	۱	۶۳	۱.۰۸	
٪۰.۶	۱	۳۶	۱	۵۴	۱.۰۸	
٪۰.۵	۰.۹۶۵۶	۳۰	۱	۴۵	۱.۰۸	
٪۰.۴	۰.۹۳۳۵	۲۴	۱	۳۶	۱.۰۸	برای بار دوم عدد ۱.۲۲
٪۰.۳	۰.۹۰۰۴	۱۸	۱	۲۷	۱.۰۸	
٪۰.۲	۰.۸۶۹۵	۱۲	۱	۱۸	۱.۰۸	
٪۰.۱	۰.۸۳۹۷	۶	۱	۹	۱.۰۸	

منبع: نگارنده.

در جدول پیش گفته ستون اول و دوم به ترتیب نشانگر میزان برداشت و ضرایب مربوط به میزان برداشت از منابع بانک مرکزی است. میزان حداکثر و استاندارد برداشت در طول یک سال به ترتیب ۱ درصد و ۰.۶ درصد دارایی بانک تجاری در نظر گرفته شده است. ضریب میزان استاندارد برداشت عدد ۱ و برای بیشتر و کمتر از آن نیز به صورت تصاعد هندسی (با قدر نسبت ۱.۰۳۵۵)، به ترتیب بزرگتر و کوچکتر از عدد ۱ در نظر گرفته شده است. ستون سوم و پنجم به ترتیب نشانگر مدت زمان استاندارد و حداکثر برای میزان برداشت در سطر مربوطه است؛ به طور مثال، برای برداشت به میزان ۱ درصد و ۰.۹ درصد دارایی به ترتیب ۶۰ روز و ۵۴ روز به عنوان استاندارد و به ترتیب ۹۰ روز و ۸۱ روز به عنوان مدت زمان حداکثر در نظر گرفته شده است. ضریب مربوط به استاندارد قرارداد کوتاه مدت در ستون چهارم عدد ۱ است. ستون هفتم نشانگر ضریبی است که دفعات برداشت را کنترل می کند. از آنجا که بانک های تجاری باید کمتر به سراغ استفاده از منابع بانک مرکزی برای پوشش نیازهای نقدینگی خود بروند این ضریب می تواند به کنترل این مورد پردازد. حال فرض کنیم در مقطعی از سال بانک تجاری الف در وضعیت بحرانی قرار دارد و نیازمند استفاده از تسهیلات بانک مرکزی است و تقاضای این بانک مورد موافقت بانک مرکزی قرار می گیرد و هم اکنون نوبت تعیین نرخ اجاره است. در این بخش این نرخ برای دو نوع اطلاعات (ارائه شده در تقاضا) محاسبه می شود:

حالت اول:

۱. مبلغ درخواستی بانک تجاری از بانک مرکزی: ۰.۷ درصد دارایی بانک تجاری؛

۲. مدت زمان قرارداد کوتاه مدت: ۴۲ روز؛

۳. بار اول.

حال با توجه به این اطلاعات و رابطه ای که پیش از این عنوان شد، نرخ اجاره بانک تجاری الف در سامانه ثبت می شود:

$$e = b \times a \times t \times n$$

ضریب b که نماد نرخ اجاره پایه می باشد، عدد ۰.۳۶ است. ضریب a که نماد میزان برداشتی است با در نظر گرفتن میزان برداشتی ۰.۷ درصد دارایی بانک تجاری با توجه به جدول عدد ۱.۰۳۵۵ است. ضریب t که نماد مدت زمان قرارداد کوتاه مدت است با توجه به

امضای قرارداد استاندارد عدد ۱ وارد می‌شود و با توجه به اینکه برای بار اول است، عدد ۱ برای ضریب n که نمایانگر تعداد دفعات برداشت بانک تجاری است، وارد می‌شود؛ بنابراین نرخ اجاره این‌گونه محاسبه می‌شود:

$$e = 0.36 \times 1.0355 \times 1 \times 1 = 0.3727$$

حالت دوم:

۱. مبلغ درخواستی بانک تجاری از بانک مرکزی: ۰.۸ درصد دارایی بانک تجاری؛

۲. مدت زمان قرارداد کوتاه‌مدت: ۷۲ روز؛

۳. بار اول.

در این حالت ضریب b عدد ۰.۳۶ است. ضریب a با توجه به جدول و میزان برداشت ۰.۸ درصد دارایی بانک تجاری عدد ۱.۰۷۲۳ انتخاب می‌شود. ضریب t با در نظر گرفتن اینکه بانک تجاری قرارداد حداکثر را امضا کرده است با توجه به جدول عدد ۱.۰۸ انتخاب می‌شود. ضریب n نیز عدد ۱ وارد می‌شود. با اطلاعات عنوان‌شده نرخ اجاره محاسبه می‌شود:

$$e = 0.36 \times 1.0723 \times 1.08 \times 1 = 0.4169$$

با مقایسه دو حالت اول و دوم ملاحظه می‌شود که در حالتی که بانک به میزان کمتری برداشت می‌کند و قرارداد کوتاه‌مدت‌تری را انتخاب می‌کند نرخ اجاره کمتری برای وی محاسبه می‌شود.

دستورالعمل اجرایی اعطای تسهیلات بانک مرکزی

۱. بانک‌ها می‌توانند در ابتدای سال مالی تقاضای خود مبنی بر استفاده از تسهیلات بانک مرکزی (در وضعیت فوری و اضطراری) را در حد حداکثر ۱ درصد دارایی خود به بانک مرکزی ارائه کنند.

۲. تسهیلات اعطایی بانک مرکزی به بانک‌های تجاری در چارچوب حد اعتباری تعیین شده و در قالب قرارداد مشارکت مدنی و برای پوشش نیازهای فوری و اضطراری بانک تجاری با تأیید بانک مرکزی قابل استفاده است.

۳. وضعیت بحرانی و اضطراری بانک تجاری باید به تأیید بانک مرکزی برسد.

۴. بعد از تصویب حد اعتباری (به صورت پیش‌بینی شده و قابل استفاده در وضعیت بحرانی)، بانک تجاری باید نسبت به معرفی و ترهین غیرمنقول به بانک مرکزی، دست‌کم به میزان ۲۰۰ درصد حد اعتباری تعیین شده اقدام کند.
۵. بانک مرکزی با بانک تجاری قرارداد میان‌مدت (یک‌ساله) را تنظیم می‌کند، مبنی بر اینکه اگر بانک تجاری در طول قرارداد میان‌مدت (یک‌ساله) در شرایط خاص نقدینگی قرار گرفت، پس از اینکه قادر نبود از راه‌های دیگر نیاز خود را برطرف کند، می‌تواند تقاضای خود مبنی بر استفاده از تسهیلات بانک مرکزی حداکثر تا حد ۱ درصد اعتبار تصویب شده را به بانک مرکزی ارائه کند.
۶. پس از تقاضای بانک تجاری چنان‌که این تقاضا مورد تأیید بانک مرکزی قرار گرفت، بانک مرکزی با بانک تجاری قرارداد مشارکت مدنی مشروط را تنظیم کرده و از بانک تجاری درباره خرید و فروش بخشی (از صفر تا ۵۰ درصد) از اموال مشاعی (ترهین شده) متناسب با تأمین کسری موجودی حساب جاری بانک تجاری وکالت‌نامه دریافت می‌کند.
۷. مدت قرارداد مشارکت مدنی مشروط (بین بانک مرکزی و بانک تجاری) به صورت کوتاه‌مدت بوده و همه‌ساله مدت قرارداد (استاندارد و حداکثر) برای محدوده‌ای از میزان برداشت به وسیله شورای پول و اعتبار اعلام می‌شود.
۸. تعداد دفعات مورد استفاده از منابع بانک مرکزی در محدوده حداکثر حد اعتباری تعیین شده، در طول مدت قرارداد یک‌ساله محدود بوده و هر سال به وسیله شورای پول و اعتبار اعلام می‌شود.
۹. اموال معرفی شده با قیمت ارزیابی (بانک مرکزی) به عنوان اموال مشاعی بانک مرکزی است که مبنای قیمت سهم درصد اموال مشاعی بین بانک مرکزی و بانک تجاری تا یک سال از تاریخ قرارداد میان‌مدت (یک‌ساله) است.
۱۰. بانک مرکزی در وضعیت بحرانی و اضطراری نقدینگی بانک تجاری و پس از تأیید مبنی بر پرداخت تسهیلات به بانک تجاری تا حد اعتباری مصوب، میزان تقاضای نقدینگی بانک تجاری را پرداخت کرده و متناسب با قیمت ارزیابی اموال مشاعی در سهم درصدی از اموال مشاعی مشارکت می‌کند.

۱۱. برای تعیین نرخ اجاره، شورای پول و اعتبار هر سال سه نرخ اجاره حداکثر، حداقل و پایه را اعلام می‌کند که نرخ اجاره پایه در بازه نرخ اجاره حداقل و حداکثر قرار دارد. بانک‌ها با رفتار خود در استفاده از تسهیلات بانک مرکزی می‌توانند نرخ اجاره پایه را به نرخ حداقل یا حداکثر نزدیک‌تر کنند. این فرایند به وسیله ضرایبی انجام می‌پذیرد که دستورالعمل و ضرایب مربوط به آن هر سال به وسیله شورای پول و اعتبار اعلام می‌شود.

۱۲. فروشنده اموال مشاعی (بانک تجاری) در طول قرارداد کوتاه‌مدت هر زمان نسبت به واریز مبلغ به حساب جاری اقدام کند، به منزله آمادگی برای خرید سهم درصد اموال مشاعی مورد مشارکت بوده و بانک مرکزی نسبت به تملیک سهم درصد اموال مشاعی متناسب با مبلغ واریزی به بانک تجاری اقدام می‌کند. میزان اجاره‌بهای دریافتی متناسب با سهم مالکیتی بانک از اموال مشاعی در مقاطع روزانه است.

نتیجه‌گیری و ارایه پیشنهاد

مقایسه راهکارهای اعطای تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌های تجاری در بانکداری اسلامی با استفاده از شاخص‌های میزان مشروعیت فقهی، میزان مقبولیت قانونی، پوشش اقتصادی، توجیه بانکی و آسانی معامله به شرح جدول ذیل است:

جدول ۴: مقایسه راهکارهای پیشنهادی برای اعطای تسهیلات بانک مرکزی

راهکارها/ معیارها	مشروعیت فقهی	مقبولیت قانونی	پوشش اقتصادی	آسانی معامله	توجیه بانکی	جمع امتیازها
خرید دین مجدد	متوسط (۶۰)	خوب (۸۰)	عالی (۱۰۰)	خوب (۸۰)	عالی (۱۰۰)	۴۲۰
مضاربه	عالی (۱۰۰)	متوسط (۶۰)	ضعیف (۲۰)	متوسط (۶۰)	ضعیف (۲۰)	۲۶۰
فروش سهام به بانک مرکزی	عالی (۱۰۰)	متوسط (۶۰)	عالی (۱۰۰)	خوب (۸۰)	متوسط (۶۰)	۴۰۰
قرض بدون بهره	عالی (۱۰۰)	عالی (۱۰۰)	ضعیف (۲۰)	خوب (۸۰)	ضعیف (۲۰)	۳۲۰
قرض بدون بهره مشروط	ضعیف (۲۰)	ضعیف (۲۰)	ضعیف (۲۰)	متوسط (۶۰)	متوسط (۶۰)	۱۸۰
مشارکت مجدد	عالی (۱۰۰)	متوسط (۶۰)	عالی (۱۰۰)	ضعیف (۲۰)	متوسط (۶۰)	۳۴۰
مشارکت مدنی مشروط	عالی (۱۰۰)	عالی (۱۰۰)	عالی (۱۰۰)	خوب (۸۰)	عالی (۱۰۰)	۴۸۰

منبع: نگارنده.

در مقام مقایسه می‌توان ادعا کرد که راهکار مشارکت مدنی مشروط به دلایل ذیل نسبت به دیگر راهکارها برتری دارد:

مشروعیت فقهی: با عنایت به اینکه عقد مشارکت مدنی از انواع قراردادهای اسلامی است و فقیهان درباره صحیح بودن این عقد اتفاق نظر دارند؛ بنابراین از جهت مشروعیت فقهی در رتبه عالی (امتیاز: ۱۰۰) است.

مقبولیت قانونی: با توجه به اینکه این راهکار براساس عقد مشارکت مدنی است که در قانون بانکداری بدون ربا قابل قبول و پذیرش است، مشکل قانونی نداشته و چالش مربوط به تعیین سود واقعی مربوط به عقود مشارکتی نیز در این راهکار موضوعیت ندارد، بر این اساس از جهت قانونی نیز در رتبه عالی (امتیاز: ۱۰۰) است.

پوشش اقتصادی: این راهکار برای بهره‌مندی تمام بخش‌های اقتصادی کشور کاربرد داشته و محدودیت‌ها و مشکلات مربوط به دیگر راهکارهای پیشنهادی را ندارد؛ بنابراین از جهت پوشش اقتصادی نیز در رتبه عالی (امتیاز: ۱۰۰) است.

آسانی معامله: این راهکار آسان‌ترین شیوه برای عملیاتی شدن در نظام بانکی است؛ به‌علت اینکه بانک مرکزی و بانک تجاری حداکثر در مقطع سالانه نسبت به ارزیابی اموال مشاعی اقدام کرده و در هر مرحله از پرداخت و دریافت، فقط سهم‌الشرکه بانک مرکزی و بانک تجاری از اموال مشاعی تغییر کرده و سود متعلقه براساس سهم مشارکت بانک مرکزی و توافق طرفین شناسایی و در قالب اجاره در مقاطع مورد نظر انجام می‌پذیرد؛ بنابراین از جهت سهولت معامله نیز در رتبه خوب (امتیاز: ۸۰) است.

توجه بانکی: با عنایت به تحکیم وثیقه‌ها و فروش اموال به‌وسیله بانک تجاری به بانک مرکزی، نوع عقد و مهم‌تر از همه، قدرت کنترل بانک مرکزی بر تقاضای بانک تجاری برای دریافت تسهیلات، برای نظام بانکی توجه بالایی برای کاربرد داشته و از جهت بانکی نیز عالی (امتیاز: ۱۰۰) است.

پیشنهاد می‌شود راهکار طراحی شده برای اعطای تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌های تجاری در قالب مشارکت مدنی مشروط به مشکلات مربوط به دیگر راهکارها را ندارد، جهت اجرا به‌صورت موردی مورد آزمایش قرار گیرد سپس در صورت کامیابی عملی به

تمام نظام بانکی ابلاغ و جایگزین شیوه دریافت وجه التزام ۳۴ درصدی (که اشکال آن گذشت) شود.

منابع و مأخذ

۱. پژوهشگران نشریه بانک و اقتصاد؛ «اهمیت ارتباط نظام بانکی سالم با خطمشی کلان اقتصاد»؛ به نقل از IMF Survey؛ نشریه بانک و اقتصاد؛ س ۱، ش ۱، ۱۳۷۷.
۲. پنج‌تنی، سیدمحسن؛ «خسارت، وجه التزام، خسارت تأخیر تأدیه»؛ ماهنامه کانون، ش ۱۱۸، ۱۳۹۰.
۳. چاپرا، محمدعمر؛ «النظام النقدي و المصرفي في الاقتصاد الاسلامي»؛ مجله اباحت الاقتصاد الاسلامي، العدد الثاني، المجلد الاول، ۱۴۰۴ق.
۴. خان، محسن و عباس میرآخور؛ مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی؛ چ ۱، تهران: مؤسسه بانکداری ایران، ۱۳۷۰.
۵. داودی، پرویز و حسین صمصامی؛ اقتصاد پول و بانکداری؛ تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
۶. زمانی‌فراهانی، مجتبی؛ پول و ارز و بانکداری؛ تهران: مؤلف، ۱۳۷۱.
۷. شجری، هوشنگ و محمد کمال‌زاده؛ اقتصاد پول و بانکداری؛ اصفهان: هشت بهشت، ۱۳۸۰.
۸. صدقی، عباس؛ اصول بانکداری؛ ج ۱، چ ۲، تهران: انتشارات دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی، ۱۳۴۹.
۹. صدیق، نجات‌الله؛ بانکداری بدون بهره؛ ترجمه اکبر مهدی‌پور؛ چ ۱، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۱.
۱۰. غریب، ناصر؛ الرقابة المصرفية على المصارف الاسلامية؛ قاهره: المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.

۱۱. فراهانی فرد، سعید؛ سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا؛ چ ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۲. فرجی، یوسف؛ پول، ارز و بانکداری؛ چ ۷، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۴.
۱۳. گروه مطالعات و مدیریت ریسک بانک اقتصاد نوین؛ مدیریت دارایی - بدهی و ریسک نقدینگی در مؤسسات مالی؛ تهران: نشر فرا سخن، ۱۳۸۷.
۱۴. ماجدی، علی و حسن گلریز؛ پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری؛ چ ۶، تهران: مؤسسه بانکداری ایران، ۱۳۷۳.
۱۵. مهدوی، سیدحسین؛ «تأثیر تحولات بانکداری جدید در ابزار سیاست‌های پولی و اعتباری»؛ مجموعه مقالات اولین سمینار پولی و ارزی، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۶۹.
۱۶. مهرآسا، غلام‌علی؛ بانک مرکزی ایران و بررسی عوامل موجد آن؛ تهران: نشر بی تا، ۱۳۴۹.
۱۷. موسویان، سیدعباس؛ بانکداری اسلامی؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۱.
۱۸. _____؛ «مشارکت مجدد جایگزین تنزیل مجدد»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۱، ش ۳، ۱۳۸۰.
۱۹. میرمعزی، سیدحسین؛ «الگوی ذخایر سپرده‌های بانکی در بانکداری اسلامی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۵، ش ۱۷، ۱۳۸۴.
۲۰. ندری، کامران و حسن کیایی؛ «سیاست‌گذاری پولی در بانک مرکزی براساس نرخ بهره و حرمت ربا در اسلام»؛ مجموعه مقالات نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری اسلامی، ۱۳۸۷.
۲۱. هفرنان، شلاگ؛ بانکداری نوین (در تئوری و عمل)؛ ترجمه علی پارسیان و علی‌رضا شیرانی؛ چ ۱، تهران: اداره تحقیقات و برنامه‌ریزی بانک سپه، ۱۳۸۲.
۲۲. والی‌نژاد، مرتضی؛ «مقدمه‌ای بر بانکداری مرکزی و زمینه پیدایی آن در ایران»؛ نشریه بانک و اقتصاد، ش ۲۰، ۱۳۸۰.

23. Hitchins, J, Mitchell, H & Mallet, D; **Banking a Regulatory Accounting and Auditing Guide**; London: The Institute Of Chartered Accountants in England and Wales, 2001.
24. Web sites: **The Federal Reserve Bank**.